

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

بدين بوم وبر زنده يك تن مباد
چو کشور نباشد تن من مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم
همه سر به سرت تن به کشتني دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary -Cultural

انجی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر، اسن، المان
۲۰۰۸ سپتامبر ۱۸

دست امید

به باع خاطره ام ، ناگهان گلی روئید
جهان، عشق به رویم چو غنچه ها خنديد
خزان، عمر، مرا ، ناگهان بهاران کرد
نوید زندگی و زنده ماندنم بخشيد
جهان، جهان، دگر ، روز ، روزگار، دگر
تن، علیل، مرا ، روح، جاودانه دمید
زلال، کوثر، عشق ، از کف، الهه شعر
خمارش از ازلم ، تا ابد ز سر نپرید
کمان، قامت، خم گشته ام ، شدی چون سرو
نسیم، صبح، وصالش ، چه شاعرانه وزید
جهان معطر و عالم همه معنبر شد
به کام، تشنۀ هجران ، شراب، وصل چکید
حدیث و آیه وحدت ، ز هر طرف نازل
صراط و جنت و دوزخ ، ز رخ حجاب درید
دگر نه بیم، جهنم ، نه شوق، حور و بهشت
چراکه دست، امیدم ، به زلف، پار رسید
ولی دریغ که میراث، جهل و کینه و بغض
چه ظالمانه ز ما برگ و بار و ریشه بُرید
بسان، گرگ و پلنگ و شغال و چون کفتار
مکبده خون، دل و ، پاره کرده سینه جوید
گهی به جور و جفا و ، گهی به ظلم و ستم

گهی چو زنگی و گاهی چو کچه مار گزید
چه ضرب نیش و چه تند زبان و تلخ سخن
ز جام و ساغر بیداد این زمانه چشید
دلم به شوری دست و ، به بخت بد سوزد
نکشته دانه ، ثمر مفت و رایگان سوزید
به چشم و گوش و زبان نیست کار ما «نعمت»
که دید و گفت و شنید و ، به هر که دل بازید